«فرهیختگان» ابعاد و سناریوهای مختلف را بررسی می‌کند

گزینه‌های ناترازی بنزین روی میز پزشکیان

سیدحسان حسینی
خبرنگار

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور در گفت‌وگوی تفصیلی با تارنمای KHAMENEI.IR به موضوع کمبود انرژی در کشور پرداخت که با واکنش‌های مختلفی همراه بود. وی در این مصاحبه عنوان کرد: «ما در کشور ناترازی انرژی داریم و در حال حاضر برای خرید بنزین، ۸ میلیارد دلار پول می‌دهیم؛ یعنی بنزین را مثلا حدود ۲۰ یا ۲۵ هزار تومان می‌خریم، بعد ۱۵۰۰ تومان می‌فروشیم! هم اسراف داشت؛ مثال دیگر مصرف برق است، ما به اندازه‌ی کل اروپا مصرف انرژی، برق و امثال آن را داریم. این از نظر علمی کار درستی نیست. از آن طرف نمی‌توانیم به کارخانه‌ها بدهیم و از این طرف هر طوری که دل‌مان می‌خواهد، از برق، گاز و سایر منابع انرژی استفاده می‌کنیم.»

آنچه مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت، اظهارات بنزینی رئیس‌جمهور جدید بود. وی پیش‌تر و در دوران نمایندگی مجلس نیز اظهاراتی درباره مصرف بنزین مطرح کرده بود. مثلا پزشکیان در فروردین ۱۴۰۰ در یک نشست دانشجویی گفته بود: «اعتقاد من این است که قیمت بنزین واقعی شود. اما برای اینکه اقشار مردم آسیب نبینند، به هر فرد سهم مثلا بیست لیتر بنزین ۲۰ هزار تومانی بدهیم.» وی توضیح می‌دهد: «یعنی هر لیتر بنزین هزار تومان به او فروخته شود، اما او بتواند مثلا ۲۰ هزار تومان بفروشد. معنی این حرف این است، آن فردی که در روستاست و چهار فرزند دارد، ماهی حدود یک و نیم میلیون تومان درآمد خواهد داشت. اگر یارانه آزاد شود، همه با قیمت آزاد می‌فروشند و راحت زندگی می‌کنند. روند های یارانه‌ای به نفع ثروتمندان است. اگر صداقتانه به مردم گفته شود، مردم خواهند فهمید که بنزین ۲۰ هزار تومانی به نفع‌شان است.»

البته رئیس جمهور در مناظرات انتخاباتی کمی از مواضع قبلی خود در دوران نمایندگی عقب‌نشینی و تاکید کرد: «اینکه گفته می‌شود موافق بنزین ۲۰ هزار تومانی هستم غلط است. اگر قرار است روزی قیمت بنزین بالا برود قبل از آن باید خودروهای با کیفیتی وارد کنیم که در ۱۰۰ کیلومتر سه چهار لیتر بنزین مصرف می‌کنند.»

اما سوال اساسی اینجاست که اکنون وضعیت تولید و مصرف بنزین چگونه است؟ آیا کشور در آستانه بحران بنزین قرار دارد؟ و اینکه رئیس جمهور جدید باید چه اقداماتی انجام دهد؟

ناترازی بنزین در سال ۱۱:۱۴۰۲ میلیون لیتر در روز

طبق آمار شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی (نمودار یک)، در سال ۱۴۰۲ میزان تولید متعارف بنزین در پالایشگاه‌های ایران روزانه ۱۰۵ میلیون لیتر بوده ولی مصرف عدد ۱۱۶ میلیون لیتر در روز را ثبت کرده است. به بیان دیگر دولت ایران مجبور به واردات بنزین به میزان ۱۱ میلیون لیتر در روز در سال گذشته شده است.

اما طبق نمودار ۱، ایران از سال ۱۴۰۱ از صادرکننده به واردکننده بنزین تغییر وضعیت داده، موضوعی که با گلایه رهبر انقلاب در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۲ نیز همراه شد. ایشان در این باره فرمودند: «ما الان در مساله سوخت، به معنای واقعی کلمه مشکل داریم، ماکشور تولیدکننده نفت بودیم؛ بااین همه منابع زیرزمینی نفتی، بنزین وارد کنیم؟ این معنی دارد؟ معنایش همین است که ما در یک مساله کلان دچار مشکلیم.»

واردات بنزین پارسال ۳ میلیارد دلار برآورد خورد

بررسی اسناد افشاشده از میزان واردات سوخت در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که اظهارات رئیس جمهور جدید درباره رقم واردات ۸ میلیارد دلاری بنزین، دقیق نبوده اما اصل موضوع واردات بنزین واقعیت داشته است.

در جدول یک، میزان واردات بنزین و گازوئیل و شیوه تامین مالی آنها آورده شده است. بر این اساس، ایران در سال گذشته، به میزان ۲٫۴ میلیارد لیتر بنزین وارد کرده که ارزش آن ۱٫۸ میلیارد دلار بوده است. شیوه تامین ارز این میزان بنزین نیز از محل صادرات سایر فرآورده‌های نفتی بوده است. یعنی ایران نفت کوره صادر کرده و مابه‌ازای آن بنزین وارد کرده است.

پیش‌تر محسن خجسته‌مهر، مدیرعامل شرکت ملی نفت از عبارت سوآپ غیرهمتا در توصیف واردات بنزین استفاده کرده بود که به این معناست که ایران از یک کشور بنزین وارد می‌کند و به کشور دیگری ذیل قرارداد سوآپ، نفت کوره صادر می‌کند.

علاوه بر واردات بنزین، دولت ایران در سال گذشته ۱٫۶ میلیارد لیتر ریفرمیت به ارزش ۱٫۲ میلیارد دلار خریداری کرده است. ریفرمیت یکی از اجزای سازنده بنزین است که هم در پالایشگاه‌ها و هم در پتروشیمی‌ها تولید می‌شود. در واقع یکی از ابتکارات دولت سیزدهم برای افزایش حجم بنزین تولیدی، استفاده از ریفرمیت پتروشیمی‌ها بوده که البته طبق گفته معاون وزیر نفت در امور پالایش و پخش، استاندارد‌های آن کاملا مطابق با حتی بهتر از ریفرمیت تولیدی پالایشگاه‌هاست.

بنابر اطلاعات جدول یک، محل تامین بودجه ۱٫۲ میلیارد دلاری برای خرید ریفرمیت، تهاتر میعانات گازی با پتروشیمی‌ها بوده است، به این صورت که دولت سیزدهم به پتروشیمی‌ها میعانات گازی داده و ریفرمیت دریافت کرده است. در مجموع تا زمانی بنزین در سال ۱۴۰۲ بیش از ۳ میلیارد دلار هزینه روی دوش دولت گذاشته است.

چرا ایران تبدیل به واردکننده بنزین شد؟

اما چرا از سال ۱۴۰۱ ایران به واردکننده بنزین تبدیل شد؟ برای پاسخ به این پرسش، شاید بد نباشد که ابتدا به این سوال پاسخ دهیم. چه شد که ایران صادرکننده بنزین شد؟ زیرا ایران به غیر از بازه زمانی سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰، همواره واردکننده بنزین بوده، پس چه اتفاقی افتاد که ایران به ناگهان صادرکننده شد؟ سه دلیل برای حضور ایران در جایگاه صادرکنندگان بنزین وجود دارد که با از بین رفتن اثر هر کدام از آنها، ایران مجددا واردکننده بنزین شده است. دلیل اول، به افتتاح پالایشگاه ستاره خلیج فارس، بزرگ‌ترین پالایشگاه میعانات گازی دنیا به ظرفیت تولید روزانه ۶۰ میلیون لیتر بنزین برمی‌گردد؛ پروژه‌ای که با پیشرفت ۷۵ درصدی از دولت دهم به یازدهم به ارث رسید. اما در دولت روحانی، پالایشگاه‌سازی متوقف شد و پروژه‌ای تحویل دولت رئیسی برای افزایش ظرفیت تولید بنزین نشد.

دلیل دوم، شوک‌درمانی قیمت بنزین در آبان ۹۸ است که باعث شد مصرف بنزین به صورت مقطعی کاهش یابد. اشتیاه فاحش دولت وقت در اصلاح قیمت بنزین باعث شد که از سال ۹۸ تاکنون زمینه اجتماعی برای اصلاح قیمت فراهم نشده، و در نتیجه با افت قیمت نسبی بنزین با تورم، افسار مصرف دوباره رها شود و دلیل دوم اثرگذار بر تراز مثبت بنزین نیز از کارایی بیفتد.

دلیل سوم و اصلی که باعث شد ایران صادرکننده بنزین شود، شیوع کرونا بود. نمودار دو، مصرف بنزین در دو سناریوی «مصرف رقم خورده» و «مصرف

جدول شماره ۱

شرح	نیاز سال ۱۴۰۲		تامین اعتبارات از محل صادرات فرآورده‌های نفتی	تامین اعتبار از محل تهاتر با خوراک میعانات گازی پتروشیمی
	حجم (میلیون لیتر)	ارزش (میلیون دلار)	ارزش (میلیون دلار)	ارزش (میلیون دلار)
واردات بنزین	۲۴۰۳	۱۸۰۲	۱۸۰۲	–
واردات نفت‌گاز	۶۵۰	۴۸۸	۴۸۸	–
دریافت هوای‌اند از واحدهای پتروشیمی و سایر تولیدکنندگان مجاز	۸۱۳	۶۱۰	–	۶۱۰
دریافت ریفورمیت از واحدهای پتروشیمی و سایر تولیدکنندگان مجاز	۱۶۱۲	۱۲۰۹	–	۱۲۰۹
جمع	۵۴۷۸	۴۱۰۹	۲۲۹۰	۱۸۱۹

جدول شماره ۲

	هزینه ناخالص سالانه حمل و نقل ۱۳۸۹ (هزار ریال)	هزینه ناخالص سالانه حمل و نقل ۱۳۹۰ (هزار ریال)	درصد تغییر هزینه	هزینه ناخالص سالانه حمل و نقل ۱۳۸۹ (تعدیل شده با شاخص قیمت ۱۳۹۰) (هزار ریال)	درصد تغییر هزینه حقیقی
متوسط کل	۱۶۰۱۴	۱۳۰۶۲	۱۸.۴- درصد	۱۹۸۵۷	۳۴.۲- درصد
دهک اول	۱۱۵۰	۱۳۹۴	۲۱.۲ درصد	۱۴۲۶	۲.۲- درصد
دهک دوم	۲۲۴۹	۲۷۵۴	۲۲.۵ درصد	۲۷۸۹	۱.۲- درصد
دهک سوم	۲۱۶۶	۳۹۳۶	۲۴.۳ درصد	۳۹۲۶	۰.۳ درصد
دهک چهارم	۴۱۱۷	۵۱۷۴	۲۵.۷ درصد	۵۱۰۵	۱.۴ درصد
دهک پنجم	۵۹۲۱	۶۵۴۶	۱۰.۶ درصد	۷۳۴۲	۱۰.۸- درصد
دهک ششم	۹۱۸۰	۸۰۸۵	۱۱.۹- درصد	۱۱۳۸۳	۲۹- درصد
دهک هفتم	۱۲۱۰۶	۱۱۱۸۳	۷.۶- درصد	۱۵۰۱۱	۲۵.۵-درصد
دهک هشتم	۱۹۱۰۲	۱۵۳۴۴	۱۹.۷- درصد	۲۳۶۸۶	۳۵.۲- درصد
دهک نهم	۳۰۴۵۵	۲۳۶۵۱	۲۲.۳- درصد	۳۷۷۶۴	۳۷.۴- درصد
دهک دهم	۷۲۶۹۲	۵۲۵۷۰	۲۷.۷- درصد	۹۰۱۳۸	۴۱.۷- درصد

یک ایده ۱۰۰ میلیارد دلاری درکنترل مصرف بنزین

حال با وجود این شرایط، چه راهکارهایی برای حل مساله ناترازی بنزین وجود دارد؟ برای پاسخ به این سوال، بد نیست به دو تجربه تاریخی مراجعه کنیم؛ دو تجربه‌ای که در آنها مصرف بنزین به‌اصلاح قیمت کاهش یافت. این دو تجربه در آبان ۹۸ و آذر ۹۹ رخ داده است. ابتدا به سراغ آبان ۹۸ می‌رویم. همان‌طور که در نمودار دو نشان داده شد، حتی اگر اثر کرونا را نیز به اثر اصلاح قیمت آبان ۹۸، بر مصرف بنزین اضافه کنیم، درنهایت اکنون مصرف بنزین روی عددی قرار گرفته که اگر این در رخداد نیز اتفاق نمی‌افتاد، الان در آن عدد قرار داشت. به بیان دیگر، صرف اصلاح قیمت بنزین بدون پشتیبانی راهکارهای غیرقیمتی منجربه کنترل بلندمدت مصرف نمی‌شده است. البته یک اثر مقطعی بر کاهش مصرف بنزین داشته که در مقایسه با هزینه اجتماعی آن اصلا قابل قیاس نیست. شاید اگر کرونا رخ نمی‌داد به جای دو سال، در همان چند ماه اول، مصرف بنزین دوباره به حالت اولیه بازمی‌گشت.

حال تجربه آذر سال ۹۸ را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در دولت نهم در بازه زمانی سال ۸۶ تا ۹۸، قیمت بنزین از لیتری ۸۰ تومان به ۷۰۰ تومان (آزاد) افزایش یافت و قیمت گازوئیل نیز از لیتری ۱۶٫۵ تومان به ۱۵۰ تومان رسید. اما چرا اتفاقات آبان ۹۸ رخ ندادند؟ پاسخ را باید در سرنوشتی راهکارهای غیرقیمتی قوی جست‌وجو کرد که تا پیش از اصلاح قیمت اجرایی شده بود.

در واقع دولت نهم از سال ۸۶ ذیل قانون توسعه حمل‌ونقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت، ۴ طرح کلان را برای نوسازی ناوگان شخصی، توسعه حمل‌ونقل عمومی و ریلی شهری، مدیریت مصرف سوخت و مدیریت تقاضای سفر وارد فاز اجرایی کرد. بدین ترتیب سهمیه‌بندی بنزین، دوگانه‌سوز کردن خودروها، تاسیس ۳۰۰۰ جایگاه CNG، خرید ۱۶ هزار اتوبوس نو و سایر راهکارهای غیرقیمتی انجام شد؛ تدابیر صورت اصلاح قیمت بنزین، مردم آلترناتیوهای ارزان‌تری برای جابه‌جایی داشته باشند.

نتیجه اجرای این راهکارهای غیرقیمتی این بود که اصلاح قیمت بنزین تنها توزیع ۵ درصدی را ایجاد کرد (نمودار چهار) و نکته جالب اینکه طبق گزارش مرکز آمار، هزینه حمل‌ونقل خانوار ۳۴ درصد کاهش یافت (جدول دو). همچنین تا همین الان یک فاصله معنادار بین «مصرف بنزین محقق شده» و «مصرف بنزین در صورت عدم اجرای این راهکارهای غیرقیمتی» وجود دارد که طبق گفته علی‌اکبر محرابیان، وزیر نیرو، منجر به صرفه‌جویی ۱۰۰ میلیارد دلاری در مصرف بنزین شده است (نمودار پنج و شش).

ساخت پتروپالایشگاه؛ آدرس غلط رفع ناترازی بنزین

البته برخی معتقدند دولت ایران به جای سیاست کنترل مصرف باید بر افزایش تولید بنزین از طریق ساخت پالایشگاه جدید متمرکز شود. این ایده در حالی مطرح می‌شود که در سال، تقاضای بنزین به میزان حدود ۱۰ میلیون لیتر در روز افزایش می‌یابد و ساخت پالایشگاه با توجه به هزینه بالا و مدت زمان اجرای طولانی اصلا پاسخگوی نیازها نیست.

مثلا در طرح پتروپالایشگاه شهید سلیمانی برآورد می‌شود که با صرف هزینه ۱۱ میلیارد دلاری و صرف زمان حداقل ۵ سال، بتوان روزانه ۷۰ میلیون لیتر بنزین تولید کرد. جالب اینکه اکنون بعد از گذشت ۳ سال از دولت سیزدهم، این پروژه به دلایل مختلفی هنوز وارد فاز اجرایی نشده است.

نسخه پزشکیان چه چهارچوبی را باید رعایت کند؟

بررسی تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد اجرای راهکارهای غیرقیمتی قوی می‌تواند به کاهش پایدار مصرف بنزین کمک کند. راهی که محمود احمدی‌نژاد توانست با موفقیت در سال‌های ۸۶ تا ۸۹ اجرایی کند و حسن روحانی با بی‌توجهی نسبت به آن فاجعه آبان ۹۸ را رقم زد. البته قطعا شرایط فعلی کشور با جنبه‌های مختلف مثل سرمایه‌اجتماعی، قدرت خرید مردم، رهابودن لنگر انتظارات تورمی، درآمد‌های ارزی دولت و آشفتگی در بازار ارز متفاوت با شرایط سال‌های ۸۶ تا ۹۱ است و نمی‌توان قانون هدفمندی یارانه‌ها و راهکارهای غیرقیمتی پیوست آن را دقیقا اجرایی کرد و نتیجه مطلوب گرفت.

به بیان دیگر دولت پزشکیان باید نسخه‌ای جامع‌تر و هوشمندانه‌تر از نسخه دولت احمدی‌نژاد برای کنترل و کاهش پایدار مصرف بنزین بدون ایجاد تبعات امنیتی و اجتماعی اجرایی کند. نسخه‌ای که قطعا سخنی‌ها و پیچیدگی‌های فراوانی در مسیر اجرا داشته اما پیاده‌سازی آن غیرممکن نیست.

نمودار شماره ۱

تولید، مصرف و ناترازی بنزین ایران در سال‌های مختلف

(میلیون لیتر در روز)

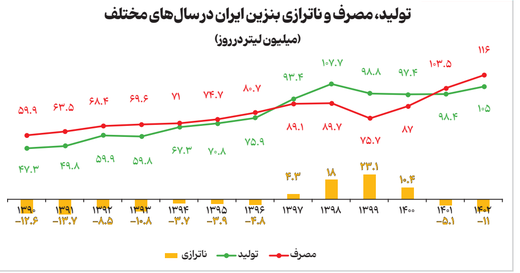

نمودار شماره ۲

مصرف بنزین ایران در سال‌های مختلف

(میلیون لیتر در روز)

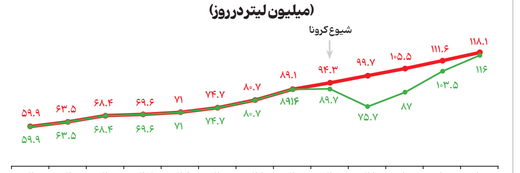

نمودار شماره ۳

سهم هر بخش از هزینه تمام‌شده هر لیتر بنزین تولید داخل

(تومان)

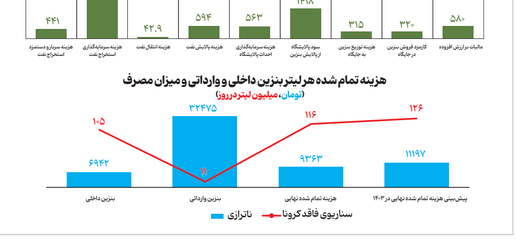

نمودار شماره ۴

هزینه تمام شده هر لیتر بنزین داخلی و وارداتی و میزان مصرف

(تومان، میلیون لیتر در روز)

نمودار شماره ۵

تورم سه ماهه

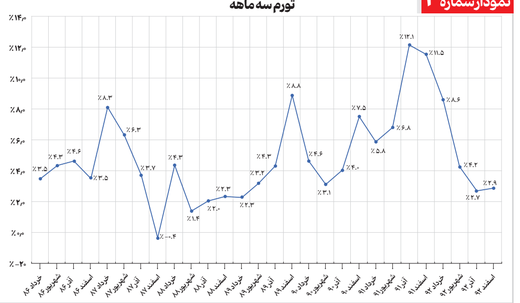

نمودار شماره ۶

مصرف روزانه بنزین کشور (میلیون لیتر)

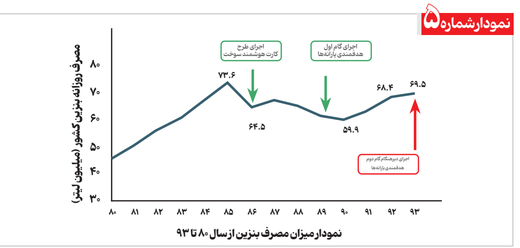

نمودار میزان مصرف بنزین از سال ۸۰ تا ۹۳

نمودار شماره ۷

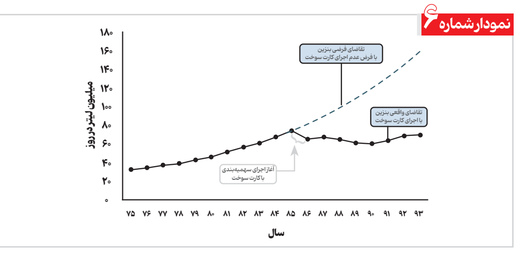

ادامه در صفحه ۱۵

نقد سیاسی یا نقد فنی

مصطفی غنی‌زاده
پژوهشگر سیاسی

با حضور پزشکیان روی صندلی ریاست‌جمهوری، اصولگرایان دوباره در جایگاه منتقدان قوه مجریه خواهند نشست. حضور سه ساله در قوه مجریه باید به آنها آموخته باشد که نقد سیاسی، نه به نفع منتقدان است و نه به نفع کشور یا نظام؛ نوعی از نقد که در دهه گذشته بارها علیه دولت روحانی به کار بسته شد و نتیجه آن، دور شدن کشور از بحث درباره «منافع ملی» و حرکت به سمت بحث بر سر «منافع حزبی» بود. متاسفانه اصلاح‌طلبان هم در سه سال گذشته، همان مسیر رقبا در دهه ۹۰ را پیمودند و نقد سیاسی دولت شهید رئیسی را سرلوحه مباحث خود قرار دادند، تا جایی که «نهار خوردی» را وایرال کرده و عکس نماز شب رئیس‌جمهور را تمسخر می‌کردند.

مهم‌ترین ایراد این شکل و شیوه از نقد، ذبح شدن هرگونه بحث عقلانی و گفت‌وگوی کارشناسی برای رسیدن به منافع ملی بود. فراطیون هر طرف برای نشان دادن «بد بودن شخصیت طرف مقابل»، هر اقدام او را تقبیح می‌کردند و به دنبال «سوتی» از عملکرد او بودند تا تمسخرش کنند. به جای بحث درباره محتوا و بنیان یک سخنرانی، به لغزش زبانی و بیانی آویزان می‌شدند تا رقیب را «ناتوان و بی‌عرضه» تصویرسازی کنند. خروجی دولت رقیب حتی اگر مثبت و قابل تقدیر بود، برای آنها اهمیتی نداشت بلکه باید از گوشه‌ای از آن و دستاورد، ایرادی پیدا می‌شد تا با بزرگنمایی همان ایراد هرچند کوچک، کل موضوع تخطئه شود و دولت و شخصیت رقیب تضعیف گردد. نقد سیاسی به قطبیت جامعه هم می‌افزود و هرگونه مصالحه اجتماعی را تضعیف می‌کرد. کنار نداریم برخی فعالان توییتری، با اضافه کردن دروغ و تهمت عملا اختلاف افکنی نیز می‌کردند. در چنین تصویری از امر سیاسی، هر فرد در کنار یک شخصیت می‌ایستد و دیگر شخصیت‌ها به «مثابه دشمن فرض می‌شوند. عصبیتی که این‌خلدون درباره جامعه بدوی توضیح داده را در اینجا هم می‌توان دید؛ چراکه شخصیت انتخاب شده به مثابه رئیس قبیله هرکاری کرد، خوب است و شخصیت سیاسی رقیب هر کاری کرد، بد است.

فرسایش هرچه بیشتر سرمایه اجتماعی یکی دیگر از آثار مهم این نوع از نقد است. جایی که هیچ طرف و شخصیت سیاسی در اذهان و افکار عمومی دارای دستاورد نیست و اتفاقا انواع تهمت و دروغ و شبهه پیرامون او و جریان سیاسی‌اش وجود دارد. در چنین وضعیتی، اعتماد اجتماعی اساسا امکان ظهور نخواهد داشت. همچنین عقلانیت نیز در وطه تعصب سیاسی، تضعیف می‌شود. هیچ طرفی به صورت معقول و نخبگانی، به مسائل نمی‌پردازد و امر کارشناسی را در اولویت قرار نمی‌دهد، بلکه پوسته‌ای از کارشناسان سطحی به وجود می‌آید که حرف قطعیت سیاسی خود را می‌زنند. یعنی نخبگی هم سیاسی شده و امر علمی، خود را به سیاست می‌فروشد تا مثویات سیاسی همان را با ظاهر علمی و کارشناسی، به مردم بدهد. به‌ویژه آنکه همه می‌دانیم در بین اصولگرایان طیف‌های مختلفی وجود دارد. گروهی که عموما به رفتارهای افراطی شناخته می‌شوند، اتفاقا به همین نقد سیاسی مشهور هستند و در آن هم روش افراطی خود را تا انتها به کار می‌بندند. اساسا نقد سیاسی به واقعیت افراط‌گرایی نزدیک‌تر هم هست؛ چراکه عقلانیت در آن تضعیف شده و هویت سیاسی جای هر چیز دیگری را گرفته است. این گروه احتمالا به هسته اصلی بحث ما هیچ زمان گوش نخواهند داد؛ چراکه برایشان منفعت شخصی بالاتر از هر چیز دیگری است.

اما راه جایگزین چیست؟ اگر نقد سیاسی نکنیم، چه راهی برای نشان دادن اشتباهات دولت مستقر وجود خواهد داشت؟ راه جایگزین «نقد فنی» است. یعنی با نگاهی مبتنی بر منافع ملی و انقلابی، اشتباهات اجرایی قوه مجریه مورد اشاره واقع شده و سپس برای آن راه‌حلی معقول پیشنهاد شود. به جای نقد شخصیت و دولت پزشکیان و اعضای هیات دولت او، باید عملکرد آنان مبتنی بر یک استدلال دارای شواهد را نقد کرد. همچنین اقدامات درست و صحیح او و دولتش را مورد بحث قرار داد و ضمن تحسین نکات مثبت، ایرادات آن را در صورت وجود، به نقد گذاشت. نقطه اصلی، عبور از نقد هویتی به سمت نقد علمی و عقلانی است. به جای خط‌کشی مرسوم مبتنی بر هویت‌های اصولگرایی و اصلاح‌طلبی و... نقدی مبتنی بر چهارچوب‌های مرسوم علمی و کارشناسی در دستور کار باشد. به‌ویژه آنکه از لحاظ هویتی، شخصیت پزشکیان و کمک به او یکی از بخش‌های اصلی بیانات رهبر معظم انقلاب در ۱۰ روز گذشته بوده و نباید آن را به شکل سابق و به‌ویژه با سبک برخی ادمین‌های اپلایی ادامه داد. البته نقد فنی در هر حوزه قواعد خودش را دارد. برای مثال در حوزه فرهنگی، نقد فنی حتما دارای ابعادی از موضوع هویت و چهارچوب‌های باوری و ارزشی خواهد بود. اما مهم است فهم کنیم که منتقدان، اصل و هسته نقد خود را امر کارشناسی قرار می‌دهند یا امر سیاسی و بر هر چیزی اولویت می‌دهند. آیا در مواجهه با یک تصمیم کلان در دولت، به بخش فنی و لزوم آن توجه می‌کنند یا امر را سیاسی و برای «زدن» طرف مقابل می‌بینند. از یک اشتباه دولت، هیجان‌زده شده و آن را یک بهانه خوب برای تخریب و تضعیف می‌بینند یا از یک اشتباه عصبانی شده و به فکر منافع ملی می‌افتند که چگونه یک امکان، از دست رفته و مشکلی به مشکلات اضافه شده؟

«نسخه نقد فنی، همین اولویت امر منافع ملی و توجه به عقلانیت مبتنی بر منافع ملی و واقعی و دور از سیاسی‌اندیشی است. در اینجا باید یادی کنیم از نقدهای غیرمنصفانه همین دوستان اصلاح‌طلب که امروز در کمیته‌های انتخاب وزرا جای گرفته‌اند و روزی شهید رئیسی را نه حتی «نقد سیاسی» که «تمسخر مجازی» می‌کردند. آن اشتباهات امروز پیش روی ماست. اشتباهاتی که دوقطبی جامعه را تقویت و هرگونه بحث عقلانی را متوقف می‌ساخت. البته برخی دوستان اصولگرا هم فارغ از نوع نقد، هر نقدی از دولت شهید رئیسی را اشتباه می‌دانستند و با ناگاه قبیله‌گرایانه، عملا به دولت ایشان ضربه می‌زدند. وضعیت کشور نیازمند عبور از این تنگناهای ساختاری‌شده است. اگر قرار باشد در چهار سال آینده هم اقدام سیاست خارجی دولت پزشکیان، غیرتوخالی؛ هرگونه اقدام فرهنگی، اباحه‌گری و وادادگی؛ هرگونه اقدامات اقتصادی، تولیدلیسم و... خوانده شود، وضعیت چندان بهتر نخواهد بود. اینجا بازهم خطر نگاه افراط‌گرایانه به هر واقعیتی، وجود دارد. گروهی از اصولگرایان که خود و فقط خود را مدافعان انقلاب می‌دانند و هر کسی غیر از خود را بیرون از دایره انقلاب می‌اندازند، با برچسب‌های شدید و غلیظ خود به سراغ هر اقدامی در دولت می‌آیند تا این جبهه‌بندی هویتی را تکرار کنند.

حالا که رهبر معظم انقلاب بدون رودربایستی و لکنت، لزوم «باور داشتن» به این گزاره که «پیروزی او [پزشکیان] پیروزی همه ماست» را بیان داشتند، باید از اصولگرایان پرسید آیا به این راهبرد ولی‌فقیه معتقد هستید؟ که اگر هست، باید با تمام وجود پزشکیان را به صورت فنی و کارشناسی و برای رسیدن به پیروزی نقد کنید. و اگر نیستید و قصد دارید بازهم او را به صورت سیاسی و با کلیدواژه‌های سیاست‌زده و مصرف‌شده در دهه ۹۰ نقد کنید، پس به چه اصولی پایبند هستید؟ در این میان مهم است که این برادران و خواهران، همین امر را به‌عنوان یک شاخص برای تشخیص انقلابیون واقعی از مدعیان انقلابی‌گری هم قرار دهند. اینکه چه کسانی در چه جریانی، به جای سخن گفتن از نکات کارشناسی و استفاده از استدلال و عقلانیت، صرفا به بحث‌های سیاسی و هویتی می‌پردازند و منافع ملی و انقلابی را برای تصویرسازی از خود و جریان مطبوع‌شان ذبح می‌کنند. اینجا می‌توان افراط را از عقل تمیز داد. افراط‌گرایانی که اتفاقا در میان اصولگرایان وجود داشته و دارند - و حتی در بین دسته خود دست به تکفیر می‌زنند- یا انواع نقد سیاسی به دنبال هویت‌سازی برای خود خواهند بود. به اسم انقلاب و دفاع از آرمان‌ها، عملا دستور ولی‌فقیه را کنار گذاشته و کشتگری سیاسی خود را پیش می‌برند تا در گردونه سیاسی کشور بمانند.

اینجا همان نقطه عبور از «نقد سیاسی» به منافع جمعی است. جایی که ستیزه و کدورت سیاسی به علت شکست در انتخابات، جای خود را به فهم این نکته می‌دهد که ما همه در یک کشتی نشسته‌ایم و حالا کسی که باید براساس راهبردهای نظام و رهبری این کشتی را در بخش اجرایی هدایت کند، پزشکیان است. سنگ زدن به او و نقد سیاسی علیه او، این کشتی را با مشکل مواجه می‌سازد و اهداف اعلامی رهبری درباره آن را از دسترس خارج می‌کند. به جای تقابل و نشستن روبه‌روی این کشتی‌بان، باید رو به دریای پرتلاطم روزگار نشست و خطرات نوع هدایت او را با صدای بلند به او یادآوری کرد. در مقابل، دولت پزشکیان هم وظیفه دارد از نقد فنی به صورت واقعی استقبال کند ولو آن را به دلایل کارشناسی قبول نداشته باشد. یعنی اگر نقد واقعا فنی به عملکردش صورت گرفت، مسموع بودن آن را اعلام کند و حتی آن را به بحث بگذارد و اگر رد‌به‌ای بر آن داشت، رسانه‌ای کند. درمقابل برای هر نقد سیاسی، همین مسیر رد کلیت روش نقد فنی را درپیش بگیرد. در اینجا مهم است اطرافیان پزشکیان هم روش سابق خود در قطبی‌سازی سیاسی را کنار گذاشته و واقعا باتوجه به منافع ملی، از هم‌حزبی خود دفاع کنند. آنچه نیاز دوطرف در این مسیر است، صداقت براساس منافع ملی است. والا آنچه در دهه ۹۰ از یک‌طرف و در سه سال گذشته از طرف دیگر در جریان بود، بازهم تکرار می‌شود و در این میان ما هستیم و منابع بیشتری که هدر می‌رود.

ادامه از صفحه ۱۴

چهارشنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴